

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ا. م. شیرى
۳۱ جولای ۲۰۲۴

ماتریس تمامیت خواهی بازار



سرمایه‌داری در سراسر جهان گسترش یافته است. بازار تمام حوزه‌های زندگی اجتماعی را به تصرف خود درآورده و ضدانقلاب سرمایه‌داری موقتاً بر اکثر کشورهای اردوگاه سوسیالیستی سابق مسلط شده است. اکنون از این جزیره بزرگ چند جزیره آزادی باقی مانده است، که در آن‌ها دستاوردهای اجتماعی حفظ می‌شود. راه آن عملاً با انقلاب کبیر اکتوبر باز شد. انقلاب اکتوبر و تجربه پیروزمندانه ساخت سوسیالیسم در اتحاد جماهیر شوروی، انگیزه‌ای بود که در سراسر جهان توده‌های تحت ستم سرمایه‌داری را برانگیخت تا به پا برخاسته و برای ساختن جامعه بدون طبقات، بدون بردگی، فقر و جنگ مبارزه کنند.

تحت هجوم فرآیندهای جهانی شدن سرمایه‌داری، دولت‌های سرمایه‌داری جهان به طور فزاینده‌ای استقلال اقتصادی و پس از آن استقلال سیاسی خود را از دست می‌دهند. حرکت آزاد سرمایه، نیروی کار و تکنولوژی چنان ابعادی پیدا کرده است که به تصویر مدرن جهان سرمایه‌داری کیفیت جدیدی بخشیده است. در عین حال، صنایع دانش‌بنیان و با فناوری پیشرفته عمدتاً در کشورهای «میلیارد طلایی»، در کشورهای اتحاد آتلانتیک شمالی و جاپان متمرکز شده‌اند. تولید نیروی کار فشرده، تولیدی که به منابع قابل توجهی از نیروی کار ارزان نیاز دارد، به کشورهای پیرامونی، به کشورهای جهان دوم و سوم (از جمله روسیه و اکثر کشورهای مستقل مشترک‌المنافع- جمهوری‌های منشعب از اتحاد شوروی) منتقل می‌شود.

در نتیجه پیروزی موقت ضد انقلاب، روسیه بورژوائی، مانند سایر جمهوری‌های سابق اتحاد جماهیر شوروی، خود را در حاشیه سرمایه‌داری جهانی یافت. اما روسیه تقریباً بلافاصله به جاه‌طلبی‌های امپریالیستی متهم شد و در تلاش است تا محصول امپریالیستی را از مزارع سوخته کشورهای مستقل مشترک‌المنافع دور کند.

وضعیت اجتماعی در روسیه چندان مساعد نیست. در اکثر جمهوری‌های دیگر مستقل مشترک‌المنافع وضعیت حتی بدتر است. تکدی‌گری و بی‌کاری به طور روزافزون افزایش می‌یابد. شمار بی‌کاران به ده‌ها میلیون نفر سر می‌زند. بخش اعظم شاغلان نیز به مشاغل کاذب مشغول هستند...

شمار زیادی از جوانان و میانسالان مجبورند برای جست و جوی کار به خارج از کشورهای خود بروند و از فقیرترین کشورهای مستقل مشترک‌المنافع – تا روسیه (طبق برآوردهای مختلف، تنها در مسکو از ۸۰۰ هزار تا ۵.۱ میلیون کارگر مهاجر وجود دارد).

چهار پنجم منابع مالی جهان در امریکا، هیولای اصلی امپریالیستی زمان ما متمرکز است، در حالی که جمعیت امریکا تنها یک بیستم جمعیت جهان را تشکیل می‌دهد. رفاه «میلیاردرهای طلائی» با پمپاژ منابع از کشورهای جهان دوم و سوم تأمین می‌شود (اعم از انرژی، نیروی کار، مواد معدنی و غیره). بر مبنای اقتصادی مذکور سرمایه‌داری جهانی مدرن، روبنای متناظر شکل می‌گیرد: تمامیت‌خواهی بازار لیبرال، سیاست جنگ‌های فاتحانه تحت پوشش «دموکراتیزه کردن» رژیم‌های سیاسی نامطلوب امریکا و انگلیس، گسترش جنگ‌های قومی، فرهنگی و مذهبی.

انقلاب انفورماتیک که در اثر توسعه سریع فناوری کامپیوتر، فناوری‌های اینترنتی و ارتباطات سیار به وقوع پیوست، موجب پیدایش اشکال کیفیتاً جدید ارتباط بین مردم و انتشار اطلاعات گردیده و در آینده نزدیک تأثیر قدرتمندی بر روی روش‌های اجتماعی شدن فرد و شکل‌گیری اشکال جدید ارتباطات اجتماعی خواهد گذاشت.

در شرایط مدرن، بازار در حال رسیدن به اوج خود است. دست بالا و فراگیر بازار، تمام طاقچه‌های جامعه را تسخیر کرده است. کلیت آن، همه و همه چیز را به بردگی می‌کشد. حتی آزادترین افراد، یا کسانی که برای این کار تلاش می‌کنند، مستعد مسمومیت با سم بازار هستند.

همه چیز: نیروی کار، وضعیت روانی، وضعیت روحی، فرد به عنوان یک کل، و در نهایت، حتی اجزای اندام‌های داخلی انسان به کالا تبدیل شده است. برده‌داری جسمی و روحی بیداد می‌کند. شمار بردگان قربانی صنعت سکس دنیای سرمایه‌داری «متمدن» از ۱۵ میلیون نفر فراتر رفته است.

در نظام تمامیت‌خواه بازار، تنها یک انقلابی می‌تواند واقعاً آزاد باشد. فقط کسانی می‌توانند احساس آزادی کنند که علیه قدرت مطلق بازار قیام می‌کنند.

قوانین جهانی توسعه به طور اجتناب‌ناپذیر حکم خود را دیکته می‌کنند: امپریالیسم مدرن، و زهدان تمامیت‌خواه بازار که آن را پدید آورد، باید بمیرد. کلیت بازار با رقیب آن جایگزین خواهد شد. انقلاب جهانی کمونیستی، تحسین برده‌وار عناصر بازار توسط انسان را از میان خواهد برد. بشریت بالاخره کنترل توسعه خود را به دست خواهد گرفت. «داستان» او پایان خواهد یافت. جهانی شدن برای این امر شرایط عینی فراهم می‌کند. شرایط ذهنی هنوز آماده نیست: طبقه انقلابی سازمان نیافته است. برای سازماندهی آن، باید شمار بیشتری از افراد را از زهدان بازار خارج کرد. این وظیفه ماست، وظیفه آزادگان، وظیفه انقلابیون!

نابود باد بردگی مزدوری!

پاینده باد انقلاب!

برداشت و بازنویسی از: [انقلاب رو](#)

۹ مرداد- اسد ۱۴۰۳